



حمید قروینی، محقق و پژوهشگر

شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی، آثار و بازتابها

۶- بیان برخی از دیدگاههای موجود در خارج از کشور پیرامون زوایای مختلف تاریخ انقلاب
۷- ارائه تحلیلهای این شبکه خبری پیرامون انقلاب
۸- روشن کردن برخی از اظهارات پنهانی که در سخنان مصاحبه‌شوندگان بیان می‌شود
با توجه به نکات ذکر شده، به نظر می‌رسد نگاهی هر چند کوتاه به مباحث مطرح شده پیرامون شهادت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (ره) در این مجموعه برنامه‌ها، نکات مفیدی را در برداشته باشد. و اما آثار و نتایج شهادت آیت الله حاج سید مصطفی خمینی (ره):

۱- ترویج نام و یاد حضرت امام (س)

بی تردید یکی از مهم‌ترین آثار شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، ترویج نام و یاد حضرت امام (س) و تحکیم موقعیت رهبری نهضت در یکی از مقاطع حساس تاریخ انقلاب است. در مبارزات سیاسی، همواره برای زنده نگه داشتن نام و یاد رهبری، مبارزه، از لوازم و ابزار مختلفی استفاده می‌شود که برخی از آنها به صورت اتفاقی و دفعتاً به وقوع می‌پیوندند. شهادت فرزند گرامی حضرت امام (س) از عواملی است که در گسترش نام رهبری نهضت نقش تعیین کننده‌ای داشت.

در آن برهه تاریخ‌ساز که گفته می‌شود در پی فشار رژیم، ذکر نام حضرت امام (س) در محافل و مجامع مختلف حداقل با شش ماه زندان همراه بود و انواع شیوه‌های سیاسی و فرهنگی به خدمت گرفته شده بود تا نام و یاد رهبری انقلاب در اذهان فراموش گردد، به یکباره همه آن تلاشهای مذبح‌خانه نقش بر آب شدند. ساواک طی گزارشی از مجالس بزرگداشت حاج آقا مصطفی (ره) و ذکر نام حضرت امام (س) در این مجالس می‌نویسد، «در تعدادی از این مجالس شعارهایی به طرفداری از روح الله خمینی داده شده است.»

علاوه بر گزارش نویس ساواک، مفسر بی‌بی‌سی درباره گسترش نام امام (س) در بی شهادت حاج آقا مصطفی (ره) می‌گوید، «آیت الله خمینی که از تبعیدگاهش در نجف نه تنها اکثر تشکیلات مذهبی، بلکه نبض سیاسی کشور را در دست داشت، ناگهان... نام ممنوع‌الذکرش بار دیگر پس از سالها و در پی فوت ناگهانی فرزند ارشدش مصطفی بر سر زبانها افتاد.» وی در جای دیگری می‌گوید، «از عصر روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۶۸ که

افراد مختلف و بالغ بر ۵۰ نفر از ایرانیان مقیم خارج که در تاریخ معاصر ایران به نوعی در متن و یا حاشیه آن نقش داشته‌اند، پرداخته است.

در این مجموعه برنامه‌ها از اظهارات شخصیت‌های مختلف انقلاب و نظام که نوار سخنرانی آنان به دست بی‌بی‌سی رسیده و همچنین اظهارات و دیدگاههای افراد مطلع و مرتبط با مسائل ایران نظیر پارسونز، ونس، برزیسکی، سولیوان، گری سیک، دنیس رایت، کارتر و غیره نیز استفاده شده است. صرف‌نظر از برخی قضاوت‌های مغرضانه و غیر صادقانه تعدادی از مصاحبه‌شوندگان که ناشی از مخالفت و کینه آنان نسبت به انقلاب و رهبری آن است، توجه به مطالب این مجموعه برنامه‌ها به لحاظ برخی ویژگیها خالی از فایده نخواهد بود.

برخی از این ویژگیها عبارتند از:

- ۱- تعداد زیاد مصاحبه‌شوندگان ایرانی و خارجی
- ۲- استفاده از سخنان و اظهارات شخصیت‌های درون نظام
- ۳- تسلط تهیه‌کنندگان برنامه و توجه آنان به زوایای مختلف تاریخ انقلاب اسلامی
- ۴- بررسی ریشه‌های انقلاب از سال‌های پیش از آغاز نهضت
- ۵- ساخت آن توسط یک رسانه امپریالیستی خارجی که در نوع خود بی سابقه است.



بی تردید یکی از مهم‌ترین آثار شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، ترویج نام و یاد حضرت امام (س) و تحکیم موقعیت رهبری نهضت در یکی از مقاطع حساس تاریخ انقلاب است. در مبارزات سیاسی، همواره برای زنده نگه داشتن نام و یاد رهبری، مبارزه، از لوازم و ابزار مختلفی استفاده می‌شود که برخی از آنها به صورت اتفاقی و دفعتاً به وقوع می‌پیوندند. شهادت فرزند گرامی حضرت امام (س) از عواملی است که در گسترش نام رهبری نهضت نقش تعیین کننده‌ای داشت.

شهادت آیت الله حاج سید مصطفی خمینی (ره) در اول آبان سال ۱۳۵۶ را می‌توان فرازی مهم و استثنایی در تاریخ انقلاب اسلامی دانست. مبارزان و مجاهدانی که سالها مرزهای مبارزه و درد هجران پیشوای خود را تحمل نموده بودند به نیکی در یاد و خاطره خود دارند که برکات شهادت آن سید عزیز چگونه و تا چه اندازه در گسترش روند رو به رشد انقلاب مؤثر واقع شد. در این مقاله سعی شده است تا آثار و نتایج شهادت فرزند گرامی حضرت امام (س) با استفاده از اظهارات مفسر رادیویی بی‌بی‌سی و مصاحبه‌شوندگان برنامه رادیویی «داستان انقلاب» و مطالب دیگر رسانه‌های داخلی و خارجی و همچنین با رجوع به برخی از اسناد ساواک مورد تحلیل قرار گیرد.

ذکر این نکته ضروری است که توجه و استناد به مطالب منابع مذکور هیچگاه به معنی تأیید آنها نیست، بلکه هدف از آن بررسی آثار و پیامدهای شهادت آیت الله حاج آقا سید مصطفی (ره) از زاویه‌ای متفاوت با سایر زوایای معنی رجوع به مطالب رسانه‌ها و اظهارات افراد است. ضروری است پیش از شروع بحث، توضیحاتی پیرامون برنامه رادیویی «داستان انقلاب» داشته باشیم.

در طلیعه دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بنگاه سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی که از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رسانه‌های خبری امپریالیسم و صهیونیسم است، اقدام به پخش سلسله برنامه‌هایی با عنوان «داستان انقلاب» نمود. این مجموعه برنامه که از ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۶۷ تا ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۸ ادامه داشت، طی ۲۸ قسمت در روزهای جمعه از ساعت ۱۹/۳۰ پخش می‌شد. هنوز چند ماه از پایان این برنامه نگذشته بود که بی‌بی‌سی آن را از تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۶۸ و این بار با تفصیل بیشتری آغاز نمود. پخش مجدد این برنامه، بیانگر میزان اهمیت این برنامه برای مدیران بی‌بی‌سی و تا حدودی حاکی از تلاش این بنگاه سخن‌پراکنی برای جذب شنوندگان بیشتر بود. در این برنامه سعی شده بود، تاریخ انقلاب اسلامی ابتدا از نهضت ملی شدن صنعت نفت و در پخش دوم از نهضت مشروطیت مورد بحث و بررسی قرار گیرد. گفته می‌شود تهیه چنین برنامه‌ای مفصلی از سوی یک شبکه خبری خارجی که در نوع خود بی سابقه است در راستای طرحی است که از دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۳۶۵ تحت عنوان «تاریخ شفاهی انقلاب ایران» در دست اجرا بود و در این زمینه به گردآوری و ضبط خاطرات

اطلاعیه چند سطر سوری سازمان امنیت خبر تبعید آیت الله خمینی را منتشر کرد تا ۱۳ سال بعد که اطلاعیه مجالس ترحیم فرزندش سید مصطفی در مطبوعات ایران منتشر شد، ذکر نام آیت الله خمینی رسماً ممنوع بود.»

در این اظهارات، گوینده ضمن اعتراف به رهبری و هدایت انقلاب توسط حضرت امام (س) از تبعیدگاه خود، خبر درگذشت حاج آقا مصطفی (ره) را عامل مهمی در ترویج نام حضرت امام (س) و در حقیقت موجب استحکام موقعیت رهبری نهضت در میان توده های مختلف مردم دانسته است. این در حالی است که امام (س) از سال ۱۳۴۳ به بعد در میان مردمی که رهبری را پذیرفته بودند، حضور نداشت و مستقیماً با آنان در ارتباط نبود که همین نکته به صورت جداگانه محل تأمل است. در ادامه همین روند و در شرایطی که همراه داشتن رساله علمی حضرت امام (س) جرم محسوب می شد و رژیم در صدد تبلیغ برخی دیگر از مراجع بود، تعدادی از سخنرانان مجالس ختم حاج آقا مصطفی (ره)، حضرت امام را به عنوان مرجع مسلم شیعیان به مردم معرفی می کردند.

ساواک طی گزارشی در همین زمینه می نویسد، «در این مجالس... سخنرانان مذهبی از روح الله خمینی به عنوان مرجع مسلم عالم تشیع نام می بردند.»

همچنین در خارج از ایران، خبرگزاری فرانسه نیز در گزارشی که در ۱۴ اکتبر همان سال مخابره نمود، به نقل از بیانیه یک گروه ایرانی مخالف رژیم شاه می نویسد:

«آیت الله مصطفی خمینی (ره) فرزند ارشد بزرگ ترین مرجع شیعیان روز ۲۳ اکتبر به طور اسرار آمیزی در کرپلا درگذشته است.»

روزنامه المجاهد چاپ الجزایر در ۸ دسامبر سال ۱۹۷۷ از شهید آیت الله مصطفی خمینی (ره) به عنوان فرزند امام روح الله خمینی (س) مقام مذهبی مسلمانان شیعه در ایران یاد می کند. در روزنامه ارشاد چاپ پاکستان نیز در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۷۷ از حضرت امام (س) با تعبیری نظیر مجاهد اعظم، مرجع دینی، اعلم دوران آیت الله العظمی آقای روح الله موسوی خمینی نام می برد.

به این ترتیب می توان ترویج نام و یاد رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی در ایران و اقصی نقاط بلاد اسلامی و تبلیغ مرجعیت آن حضرت را یکی از آثار مهم شهادت فرزند فاضل ایشان دانست.

۲- ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مخالف رژیم مبارزات افشار مختلف مردم ایران در طول سالیان حاکمیت رژیم ستمشاهی شامل گروه های مختلف سیاسی می شد. لذا ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان نیروهای مبارز به لحاظ تعدد گرایش های سیاسی مذهبی، کار را سخت و دشوار می کرد، اما به اعتراف بسیاری از آگاهان سیاسی در قیل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شهادت آیت الله حاج آقا مصطفی (ره) نقش تعیین کننده ای داشت.

مهندس مهدی بازرگان در تحلیلی از مجلس ختم آن فقید سعید در کتاب انقلاب ایران در دو حرکت می نویسد، «مجلس ختمی در مسجد ارک برگزار شد. تا آن زمان نه مسجد ارک چنین جمعیتی را در شبستانها، حیاط، ایوانها و پشت بامها و خیابانهای اطراف به خود دیده و نه پلیس را تسلیم ساخته بود و نه چنان اعلامیه دعوتی با امضاهای مختلف از طریق میلیون، روشنفکران، روحانیون و بازار بها به صورت یکجا منتشر شده بود. توفیق در این امر کار آسانی نبود... دعوتنامه جامعه که با اسامی بدون القاب و عناوین و به ترتیب الفبا صادر گردید، بسیار پرمعنی بود و آن مجلس باشکوه، با چنان صاحب مجلسها، مظهری از رهبری آیت الله خمینی (س)، مرد مبارز روحانی شد.»

با دقت در اظهارات آقای بازرگان و تأمل در فضای سیاسی آن روز ایران، می توان بیش از پیش به حساسیت موضوع پی برد و یقیناً اگر فرصت به دست آمده پس از شهادت حاج آقا مصطفی (ره) نبود، چنین اتحاد و اتفافی نیز در آن مقطع زمانی به راحتی حاصل نمی شد، به ویژه آنکه طبق اظهارات آقای بازرگان، این مجلس یادبود، اعلام تبعیت و پذیرش رهبری نهضت نیز به شمار می آمد.

یکی از مهم ترین آثار شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، ایجاد تحرک و شور انقلابی روز افزون در میان مردم بود. بر اساس برخی اطلاعات موجود، حداقل در شهرهای قم، تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، یزد، همدان، خرم آباد، تبریز، مراغه، ارومیه، اراک، کاشان، سمنان، گرمسار، قزوین، کرج، خمین، زاهدان، بهشهر، بهبهان، اهواز، آبادان و خرمشهر مجالس سوگواری با همان ویژگیهای خاص و انقلابی خود برگزار شد.

داریوش همایون وزیر اطلاعات در کابینه جمشید آموزگار در قسمتی از اظهارات خود در مصاحبه با رادیو بی بی سی می گوید، «پس از مرگ پسر [آیت الله] خمینی، آن مجلس یادبودی که برایش در مسجد ارک برگزار کردند نقطه تجمعی شد برای همه قشرهای پیشرو و لیبرال و آزادخواه و جبهه ملی و چپ، هر چه که بود، غیر از نظام حکومتی، چهره های برجسته اش آنجا ظاهر شدند. پیدا بود که رهبری مذهبی توانسته است همه اینها را جمع و بسیج کند.»

اظهارات داریوش همایون اعتراف به این نکته مهم است که همه نیروها اعم از گروه های مذهبی و غیرمذهبی در پی شهادت آیت الله حاج آقا مصطفی (ره)،

مجلس یادبود او را بهترین مکان برای تجمع یافته و این تجمع از یک طرف حاکی از میزان سعه صدر نیروهای فعال کشور و از سوی دیگر بیانگر جایگاه رهبری مذهبی نهضت بود. صرف نظر از اظهارات داریوش همایون، مفسر برنامه «داستان انقلاب» نیز در قسمتی از سخنان خود با اشاره به آگاهی تسلیت این مراسم می گوید، «آگاهی تسلیتی که به این مناسبت در مطبوعات تهران چاپ شد، به امضای بسیاری از روشنفکران، روحانیون، بازاریان و دانشگاهیان رسیده بود.» تأکید گوینده بر امضاهای مشمول در آگاهی تسلیت، اعتراف تلویحی به همان نکته مهم، یعنی برقراری اتحاد و وفای عمومی در میان افشار مختلف جامعه در پی شهادت آن شهید سعید است. به واقع می توان گفت در نتیجه چنین اتحاد و یکپارچگی عمومی بود که روند مبارزات از رشد چشمگیری برخوردار شد و پس از چند ماه، طومار قدرت رژیم خودکامه پهلوی را در هم پیچید.

۳- تجلیل از حضرت امام (س) پس از تبعید حضرت امام (س) در سال ۴۲ تا سالهای آخر عمر حاکمیت طاغوت، مردم مسلمان ایران ذره ای از مجاهدت باز ناپستادند. توده های مختلف مردم که تعهد و مظلومیت رهبری نهضت را درک کرده بودند، اندوه دوری او را با صبر و

مصیبت تحمل می کردند. در چنین شرایطی، وقتی خبر شهادت فرزند برومند حضرت امام (س) را شنیدند، بیش از پیش به صداقت، تعهد، اخلاص، مظلومیت و نقش محوری امام (س) پی بردند و پس از گسترش نام و یاد آن حضرت، لحظه ای از تجلیل نسبت به آن پیر مجاهد رویگردان نشدند.

مفسر برنامه «داستان انقلاب» در قسمتی از اظهارات خود در این مورد می گوید، «ادامه مجالس ترحیم برای سید مصطفی خمینی تبدیل به مجالس تجلیل از آیت الله خمینی (ره) شد.»

۴- تشدید روحیه مبارزه و دادخواهی ملی اسلامی بدون شک یکی از مهم ترین آثار شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، ایجاد تحرک و شور انقلابی روز افزون در میان مردم بود. بر اساس برخی اطلاعات موجود، حداقل در شهرهای قم، تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، یزد، همدان، خرم آباد، تبریز، مراغه، ارومیه، اراک، کاشان، سمنان، گرمسار، قزوین، خمین، زاهدان، بهشهر، بهبهان، اهواز، آبادان و خرمشهر مجالس سوگواری با همان ویژگیهای خاص و انقلابی خود برگزار شد. حتی بر اساس برخی از اسناد ساواک، در پایان اکثر مجالس ختم حاج آقا مصطفی (ره) جمعیت شرکت کننده در مراسم به راهپیماییهای پرشور در حمایت از حضرت امام (س) و محکومیت جنایت به وقوع پیوسته توسط رژیم می پرداختند. در حقیقت می توان این واقعه را مستمسکی جدید برای خشم انقلابی مردم علیه رژیم دانست.



با دقت در متن این دو سند باید اذعان نمود که جریان به وجود آمده در پی شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، تنها به روزهای اول شهادت وی محدود نگشت، بلکه در فاصله زمان شهادت تا چهلیم و حتی پس از چهلیم آن فقید سعید ادامه داشت. ضمن آنکه حرکت مردم به صورت گروههای متشکل و با حمل انواع لوازم تبلیغی و حتی حمله به مراکز اقتصادی و فرهنگی رژیم که کار چندان ساده‌ای نیست، همراه بود.

بانک صادرات مبادرت نموده‌اند.

با دقت در متن این دو سند باید اذعان نمود که جریان به وجود آمده در پی شهادت حاج آقا مصطفی (ره)، تنها به روزهای اول شهادت وی محدود نگشت، بلکه در فاصله زمان شهادت تا چهلیم و حتی پس از چهلیم آن فقید سعید ادامه داشت. ضمن آنکه حرکت مردم به صورت گروههای متشکل و با حمل انواع لوازم تبلیغی و حتی حمله به مراکز اقتصادی و فرهنگی رژیم که کار چندان ساده‌ای نیست، همراه بود.

۵- عوامل و مسببین اصلی واقعه

بدیهی است که پس از هر واقعه دلخراشی، اذهان بیدار مردم به دنبال علل بروز آن حادثه خواهد بود. طبیعتاً مردم مسلمان ایران نیز پس از شهادت فرزندان رشید امام (س) به سراغ عناصر اصلی، طراحان و مجریان این جنایت بودند. پزشکی در بیمارستان کوفه، پیکر پاک آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی (ره) را معاینه می‌کند و بلافاصله اظهار می‌دارد که وی مسموم شده است و اگر به او اجازه کالبد شکافی بدهند، این حقیقت را ثابت می‌کند. نکته شایان توجه این است که پزشک مذکور پس از این اظهار نظر، بی‌درنگ از طرف سازمان امنیت عراق بازداشت شد و بعد از ۲۴ ساعت آزاد گردید و پس از آن از هر گونه اظهار نظری پیرامون این موضوع خودداری ورزید.

به هر حال با توجه به جنایات متعددی که رژیم مرتکب شده بود، مردم دست او را مستقیماً در این جریان مشاهده می‌نمودند. مفسر برنامه «داستان انقلاب» طی تحلیلی در همین خصوص می‌گوید، «آن چنان که در جوپز از بدگمانی آن روز ایران معمول

محمد شانه‌چی، یکی از عناصر وابسته به جبهه ملی، طی تحلیلی از شهادت حاج آقا مصطفی (ره) و نتایج آن در مصاحبه خود با رادیو بی‌بی‌سی ضمن اشاره به این واقعه می‌گوید، «یک جریان سیاسی بود، نه اینکه درگذشت پسر آقای خمینی این قدر جنجال به پا کند، چون مردم به دنبال یک مستمسکی، یک علتی می‌گشتند که تظاهرات کنند، جریانی راه بیندازند. فوت پسر آقای خمینی یک موضوعی بود که بسیار عالی بود برای جنجال به پا کردن و کار راه انداختن، حرکت ایجاد کردن.» وی با اشاره به چگونگی برپایی جلسات ختم و سوگواری و وقایع مربوط به دستگیری مردم شرکت کننده در مراسم چهلیم مرحوم آقای مصطفی (ره) تأکید می‌کند که، «ذات فوت پسر آقای خمینی، این محرک نبود، خود مردم دنبال یک دلیلی، یک مستمسکی می‌گشتند که یک کاری بکنند. این فوت پسر آقای خمینی از همه بهتر بود، خیلی خوب بود، اینها خوب از آن استفاده و بهره‌برداری کردند.»

مصاحبه شونده با این اظهارات سعی کرده است تا با کاستن از ابعاد سیاسی اجتماعی این واقعه اسفبار، حساسیت مردم برای استفاده و بهره‌برداری از وقایع سیاسی اجتماعی علیه رژیم را یادآور شود. در حقیقت وی معتقد است که مبارزان و توده مردم دست به دست هم دادند و با استفاده از نتایج این شهادت، موج جدیدی را علیه حاکمیت به راه انداختند.

در همین زمینه دو سند گویا از پرونده‌های ساواک جلب نظر می‌کند. در یکی از اسناد آمده است: «در فاصله برگزاری مجالس مذکور (مجالس ختم حاج آقا مصطفی (ره) و مجالسی که به مناسبت چهلیمین روز درگذشت مصطفی خمینی برگزار گردید، فعالیت‌های وسیع تری نیز از طرف عناصر متعصب مذهبی طرفدار روحانیون افراطی و وابسته به گروههای برانداز انجام گرفت و عده‌ای در شهرهای تهران، شیراز و مشهد، در دستجات ۳۰ تا ۵۰ نفری به تظاهرات خیابانی، حمل شعارهای پارچه‌ای مضره و شکستن شیشه‌های چند شعبه بانک، سینما و مشروب فروشی و همچنین شرکت هواپیمایی ملی در شهر شیراز مبادرت نمودند.»

ساواک همچنین در جای دیگری آورده است، «بعد از مراسم چهلیمین روز درگذشت مصطفی خمینی، افراطیون مذهبی در دنباله فعالیت‌های اخلاک‌گرا خود در ماه محرم، بار دیگر فرصتی پیدا کردند که تلاش‌های مضره را در مقیاس وسیع‌تر تعقیب نمایند و در چند مورد گروههای ۱۵ تا ۲۰ نفری در شهرهای مشهد و اهواز به تظاهرات خیابانی و شکستن چند جام از شیشه‌های دو شعبه»

بود، بسیاری سازمان امنیت را در مرگ سید مصطفی خمینی دخیل می‌دیدند.»

مفسر بی‌بی‌سی به این نکته اشاره نمی‌کند که آیا وی نیز همین عقیده را دارد یا نه؟ به ویژه آنکه هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان برنامه «داستان انقلاب» حاضر نشده‌اند تا پیرامون قاتل و یا طراحان قتل آن سید شهید سخنی بگویند و یا از قول سایرین مطالبی را بیان کنند و نکته در خور توجه این است که به رغم اهمیت مسئله و توجه سازندگان برنامه به زوایای مختلف تاریخ انقلاب و حتی همین واقعه تأسف بار، از پرداختن به چگونگی وقوع حادثه و یا احتمالات مطرح شده پیرامون آن پرهیز نموده‌اند. برخی دیگر از رسانه‌های گروهی خارج در همین زمینه به بیان مطالبی پرداخته‌اند، روزنامه المجاهد چاپ الجزایر می‌نویسد، «مصطفی خمینی فرزند روح‌الله خمینی مقام مذهبی مسلمانان شیعه در ایران به دست ساواک به قتل رسیده است.»

خبرگزاری فرانسه نیز در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۷ این چنین گزارش می‌دهد: «این خبر موجب تأثر شدید ایرانیان شده و مردم این فرضیه را که ممکن است رژیم ایران مسئول مرگ مصطفی خمینی باشد، بعید نمی‌دانند.» همین خبرگزاری در گزارشی دیگری به نقل از خبرگزاری فلسطین، وفا، در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۷۷ گزارش می‌دهد، «سید مصطفی خمینی پسر امام روح‌الله خمینی مقام مذهبی مسلمانان شیعه ایران چهل روز پیش در نتیجه بدرفتاریهای ساواک (پلیس مخفی ایران) جان خود را از دست داد.»

روزنامه ارشاد، چاپ پاکستان نیز در مقاله‌ای که در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۷ منتشر شد، به رموز بودن شهادت آقا مصطفی (ره) اشاره می‌کند.

روزنامه السفير، چاپ لبنان نیز طی گزارشی به انتشار بیانیته رهبران مذهبی ایران که در آن ساواک را مسئول شهادت حاج آقا مصطفی (ره) دانسته‌اند مبادرت می‌ورزد.

۶- مواضع امام (ره)

حضرت امام (س) به عنوان پیشوای نهضت که هدایت و رهبری انقلاب را بر عهده داشتند و به عنوان فقهی آگاه به زمان و مکان همواره سعی می‌کردند تا با شناخت کامل از وضع جامعه ایران در اجرای مسئولیت محوری و حساس خود تلاش کنند. بدیهی است در پی شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی (ره) و حضور جدی مردم در صحنه، حضرت امام (س) با وجودی که از شهادت فرزند گرامی خود که او را امید آینده اسلام می‌دانستند، ناراحت و اندوهگین شده بودند، ذره‌ای در حرکت انقلاب خویش عقب ننشستند و حتی در چنین شرایطی که دشمن در آرزوی مشاهده ضعف، ناامیدی و ضربه‌پذیری امام (س) بود، آن حضرت حتی حاضر به تغییر در برنامه خود در درس و بحث نیز نشدند و از موقعیت به وجود آمده برای ایجاد تحرک و همبستگی بیشتر سود جستند.

بنی صدر در مصاحبه خود با رادیو بی‌بی‌سی طی تحلیلی از این واقعه و با اشاره به اقدامات حضرت امام (س) می‌گوید، «وقتی که دید آن فاتحه‌ها برگزار شد و آن ترتیب اقبال عمومی، دوباره دلگرم شد بعد که مردم راه افتادند و به حرکت افتادند... اولین اعلامیه‌اش در آمد.»

ملاحظه می‌شود که وی حضور مردم در صحنه را یکی از عوامل دلگرمی حضرت امام (س) دانسته و تلویحاً به استفاده حضرت امام (س) از موقعیت به وجود آمده برای صدور اعلامیه‌های انقلابی اذعان می‌کند و دقیقاً از همین مقطع به بعد است که امام (س) به رغم دوری چندین ساله از ایران، به واسطه شناخت دقیق و ارتباط عمیق عاطفی با مردم، پی در پی اعلامیه‌های پرمحتوا و روحیه‌بخش خود را خطاب به مبارزان و اقشار مختلف مردم در داخل و خارج از کشور صادر می‌کنند. مؤلفان کتاب سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج در این باره می‌نویسند، «در طول این دوران اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی که ایستادگی در مقابل این رژیم سفاک را توصیه می‌کرد، بیش از پیش به ایران می‌رسید.»





و تند حضرت امام (س) علیه حکومت، شاه که خود را شکست خورده می‌دید ناچار شد طرح شوم دیگری را اجرا کند و این بار نیز رهبری مقتدر نهضت اسلامی را هدف حمله خود قرار دهد و به انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به ساحت حضرت امام (س) در روزنامه‌ای اطلاعات مبادرت ورزید. این ترفند غیر اخلاقی نیز که ناشی از سرعت حرکت انقلاب و افزایش محبوبیت حضرت امام (س) در پی شهادت حاج آقا مصطفی (ره) به وجود آمده بود با شکست مواجه شد. مفسر بی‌بی‌سی در همین زمینه می‌گوید: «سال ۱۳۵۶ سال آغاز رویارویی شاه با مخالفان بود... در پاییز همان سال درگذشت سید مصطفی خمینی (ره) فرصتی تازه پیش آورد. در بحبوحه این جریانات، شاه دستور داد مقاله‌ای توهین آمیز علیه آیت الله خمینی (س) بنویسند که در اطلاعات چاپ شد.»

گوینده با این اظهارات به نکات مهمی اشاره می‌کند. وی شهادت حاج آقا مصطفی (ره) را فرصتی تازه و مقاله منتشره در روزنامه اطلاعات را نتیجه وقایع پس از این جنایت دانسته است. ضمن آنکه دخالت مستقیم شاه در تهیه و انتشار مقاله را نیز عنوان می‌نماید. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که اقدام مذبحخانه شاه در هتک حرمت به ساحت حضرت امام (س)، تلاشی برای خارج شدن از گردبادی بود که طوفان خشم انقلابی مردم علیه رژیم شاه، در پی شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی (ره) به راه انداخته بود که این بار نیز ترفند پلید حکومت علیه او به نفع نهضت اسلامی حضرت امام (س) تمام شد. احسان نراقی چگونگی انتشار این مقاله را از قول یکی از مسئولان ساواک که در زندان پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای وی نقل کرده است در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی چنین تعریف می‌کند: «آن مسئول ساواک گفت، «پس از اینکه آقا سید

مفسر بی‌بی‌سی نیز طی تحلیلی در همین زمینه مدعی شد: «استقبال مردم بر تندلی لحن آیت‌الله خمینی افزود و در اینجا بود که آیت‌الله خواستار سرنگونی دودمان پهلوی شد.» خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری وفا در ۶ دسامبر ۱۹۷۷ پیرامون پاسخ حضرت امام (ره) به تلگرام تسلیت عرفات گزارش داد، «امام اذعان می‌دارد که بین رژیم شاه، صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا رابطه‌ای وجود دارد.» خبرگزاری فرانسه ادامه می‌دهد، «روح‌الله خمینی هم چنین در پیام خود بار دیگر پشتیبانی خود را از مبارزه و جنبش مقاومت فلسطین برای آزادی میهنش اعلام داشته است.»

ملاحظه می‌شود که آن مجاهد خستگی‌ناپذیر چگونه هر فرصتی را برای پرداختن به موضوعهای مختلف سیاسی در ایران و سایر کشورهای اسلامی مغتنم می‌شمرد.

۷- تأثیر در جنبش مقاومت اسلامی

از آنجا که حضرت امام (س) از نخستین روزهای نهضت همواره مسائل جهان اسلام را در کنار مسائل و مشکلات ایران مطرح کردند و منشاء همه مشکلات جهان اسلام را از آمریکا و صهیونیسم می‌دانستند، بیشتر گروهها و محافل سیاسی و نیروهای مبارز کشورهای اسلامی و حرکت جهادی، ضمن الگو قرار دادن حضرت امام (س)، دیدگاهها و بیانات آن حضرت را اهتمامی عمل خویش می‌دانستند. در این میان نقش حاج آقا مصطفی (ره) در برقراری تماس مستقیم با مبارزان کشورهای اسلامی، به ویژه نهضت مقاومت اسلامی فلسطین و آموزش، سازماندهی و اعزام نیروهای مبارز به جنوب لبنان بسیار تعیین کننده بود. در چنین شرایطی خبر شهادت حاج آقا مصطفی (ره) بلافاصله در کشورهای اسلامی انعکاس یافت و با غم و اندوه فراوان نیروهای مسلمان مواجه شد. از سوی دیگر خبر این شهادت مظلومانه همانگونه که در داخل ایران موجی از خشم انقلابی را به همراه داشت، در میان مجاهدان کشورهای اسلامی نیز به تقویت روحیه جهاد و مبارزه انجامید.

سفارت ایران در لبنان ترجمه متن گزارش امل، ارگان «حرکت المحرومین» درباره مراسم بزرگداشت آیت‌الله حاج سید مصطفی خمینی (ره) را که از طرف امام موسی صدر و گروهی از روحانیون و شیعیان لبنان برگزار شده بود، به این شرح برای وزارت امور خارجه ایران فرستاد: «در این یادبود دردناک که رنج فقدان علامه سید مصطفی (ره) فرزند امام مجاهد آیت‌الله خمینی غم و اندوه می‌آفریند، هدف ایمان به هم می‌پیوندد و حالتی به وجود می‌آورد که سرشار از زایچه شهادت است و منعکس کننده اراده عملی در زندگی است که در پرتو ایمان به کینه وجود، چشم حقیقت به تغییر و تحول دوخته تا از اصالت خود، عنصر مبارزه‌اش را بسازد و از ایمانش عنصر پایداری و از آگاهی نسبت به ارزشهایش عنصر جهاد و فداکاری را. بدین ترتیب دامنه جنبش و وسعت می‌یابد و تبدیل به یک هجرت دائمی می‌گردد که مرزهای جغرافیایی را پشت سر می‌گذارد تا چهره جاویدان اسلام را رسم نماید.

ای برادر شهید! روز یادبود تو در لبنان بارحلتی حسینی در جنوب به هم می‌آمیزد. هجرتی در راه خدا و دو هجرت به هم می‌پیوندند تا جنبش، نور انقلاب خود را از آن الهام گیرد و معادله مبارزه را به زبان خود تجسم نماید؛ خونی که همانا با نوای آسمانی لااله الا الله و الله اکبر و ایمانی صادقانه ریخته شد و در روز یادبود دوباره جان می‌گیرد تا جهشی به جنبشی بخشد و به سوی پدر مجاهد مومت، آیت‌الله خمینی (س) سوق دهد و با خداوند خویش تجدید بیمان کند که همه ما را آماده سازد تا مرگ را به صورت شهادت پذیرا باشیم.»

۸- اقدام عاجزانه رژیم

پس از شکست طرح مذبحخانه رژیم و مشاهده روند رو به رشد حرکت انقلاب که در پی ترویج نام و یاد حضرت امام (س)، ایجاد وحدت و یکپارچگی نیروهای مخالف رژیم، تجلیهای باشکوه از حضرت امام (س)، تشدید روحیه مبارزه و دادخواهی ملی اسلامی، گسترش جو بدنامی برای رژیم و بالاخره مواضع صریح

مصطفی خمینی در نجف فوت شد و این جریان وسیله‌ای شد که در ایران مجامع تحریم مرتباً تشکیل بشود، خلاصه عدم رضایت سیاسی به این قسم خودش را بیان می‌کرد که شاه را از این بابت خیلی عصبانی کرده بود. در این بین یاسر عرفات تاگراف تسلیتی به آقای خمینی (ره) در نجف مخابره می‌کند. آقای خمینی (س) در جواب به یاسر عرفات می‌گوید درد و محنت من روزی پایان می‌گیرد که ملت ایران از شر این آدم چابری یعنی شاه فارغ بشود، راحت بشود... این مسئول ساواک به من می‌گفت نصیری این متن را برده برای شاه، به شاه نشان می‌دهد و شاه می‌گوید حالا دیگر باید جنگ را علنی کرد با روحانیون، به خصوص با آقای خمینی، بروید یک مقاله تهیه کنید. می‌روند، دستگاه ساواک مقاله‌ای تهیه می‌کند، مقاله را نصیری برای شاه می‌برد، شاه می‌گوید نه، این را تندترش کنید که بعد هم وقتی مقاله حاضر می‌شود می‌گوید از طریق دربار بگویند که همان دربار هویدا می‌فرستد برای وزیر اطلاعات که خودش هم گفته، او هم می‌دهد به روزنامه اطلاعات و اطلاعات نمی‌خواهد چاپ کند و خلاصه چاپ می‌کنند و آن جریانی که در قم و رفتند تظاهرات کردند در برابر روزنامه اطلاعات و طلاب و آن درگیری و خونریزی و اینها که بعد دیگر همین طور چهلهمها ادامه داشت.»

اگر اظهارات احسان نراقی را، حتی با چند درصد صحت نیز مورد بررسی قرار دهیم، اینگونه استنباط می‌شود که شاه پس از شهادت حاج آقا مصطفی (ره) و برپایی بی‌دری مراسم ختم آن شهید عزیز با آن ویژگیها و شرایط ذکر شده، در چنان گردایی غرق شد که نه تنها از انجام حرکتی برای پاک کردن دامن خود از این اقدام ناتوان بود، بلکه در اقدامی مانند تهیه یک مقاله توهین آمیز نیز شخصاً وارد عمل شد و این عملیات سخیف را فرماندهی کرد تا شاید ذره‌ای از عظمت و محبوبیت حضرت امام (س) در انتظار مردم بکاهد، اما این کار همچون موارد قبلی نه تنها نفعی برای او نداشت بلکه به روند رو به رشد انقلاب اسلامی شتاب بیشتری بخشید و تحقق آیه «و مکروا مکراً لله و الله خیر الماکرین» را به ما نشان داد.

تازه و مقاله منتشره در روزنامه اطلاعات را نتیجه وقایع پس از این جنایت دانسته است. ضمن آنکه دخالت مستقیم شاه در تهیه و انتشار مقاله را نیز عنوان می‌نماید. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که اقدام مذبحخانه شاه در هتک حرمت به ساحت حضرت امام (س)، تلاشی برای خارج شدن از گردبادی بود که طوفان خشم انقلابی مردم علیه رژیم شاه، در پی شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی (ره) به راه انداخته بود که این بار نیز ترفند پلید حکومت علیه او به نفع نهضت اسلامی حضرت امام (س) تمام شد. احسان نراقی چگونگی انتشار این مقاله را از قول یکی از مسئولان ساواک که در زندان پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای وی نقل کرده است در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی چنین تعریف می‌کند: «آن مسئول ساواک گفت، «پس از اینکه آقا سید

شهادت حاج آقا مصطفی (ره) و برپایی بی‌دری مراسم ختم آن شهید عزیز با آن ویژگیها و شرایط ذکر شده، در چنان گردایی غرق شد که نه تنها از انجام حرکتی برای پاک کردن دامن خود از این اقدام ناتوان بود، بلکه در اقدامی مانند تهیه یک مقاله توهین آمیز نیز شخصاً وارد عمل شد و این عملیات سخیف را فرماندهی کرد تا شاید ذره‌ای از عظمت و محبوبیت حضرت امام (س) در انتظار مردم بکاهد، اما این کار همچون موارد قبلی نه تنها نفعی برای او نداشت بلکه به روند رو به رشد انقلاب اسلامی شتاب بیشتری بخشید